

## **Review of the human rights of Mohseni`s book on ethics**

### **Abstract**

Human rights are a set of social laws and regulations that are formulated by God Almighty in order to establish justice in human society, and these rights must be observed equally everywhere to ensure the well-being of society. In this article, an attempt has been made to extract, study and analyze Mullah Hussein Kashefi Sabzevari, views and theories regarding human rights and relations in a descriptive and analytical manner. Mullah Hussein Kashefi Sabzevari, a prolific writer and influential preacher of the Timurid era, in Mohseni Ethics book has paid attention to various human rights and has always advised his audiences to observe these rights. The result obtained from this study shows that the most right that Kashefi Sabzevari has paid attention to in this book is the right of the people to governer, and after that examples such as: he has stated God's right over the servant, justice, rights of the needy, commitment by covenant, the right of neighbor and relative, trusteeship, parental rights, the right of guests, the right of teacher, the rights of armys and soldiers, the right of governer to the people, commanding the good and forbidding the evil, and truth and truthfulness.

Keywords: human, human rights, Kashfi Sabzevari, Mohseni ethics.

## بررسی حقوق انسان در کتاب اخلاق محسنی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱

سمیه عباسی نسب<sup>۱</sup>عنایت‌الله شریف پور<sup>۲</sup>مریم جعفری<sup>۳</sup>

## چکیده

حقوق انسان، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اجتماعی است که از جانب خداوند متعال و به منظور برقراری قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود و این حقوق باید در همه جا یکسان رعایت شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد. در این مقاله سعی شده، به شیوه توصیفی و تحلیلی، دیدگاه و نظریات ملاحسین کاشفی سبزواری در رابطه با حقوق و روابط انسان‌ها استخراج، بررسی و تحلیل شود. ملاحسین کاشفی سبزواری، نویسنده پرکار و واعظ تأثیرگذار عصر تیموریان، در کتاب اخلاق محسنی به انواع حقوق انسان توجه داشته و همواره مخاطبان خود را به رعایت این حقوق سفارش کرده است. نتیجه به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین حقی که کاشفی سبزواری در این کتاب به آن توجه داشته، حق مردم بر حاکم است و بعد از آن مصداقهایی از قبیل: حق خداوند بر بنده، برخورداری از عدالت، حقوق نیازمندان، پای‌بندی به عهد و پیمان، حق همسایه و خویشاوند، امانت‌داری، حقوق والدین، حق مهمان، حق معلم و استاد، حقوق سپاهیان و لشکریان، حق حاکم بر مردم، امر به معروف و نهی از منکر و صدق و راستی را بیان کرده است.

واژه‌های کلیدی: انسان؛ حقوق انسان؛ کاشفی سبزواری؛ اخلاق محسنی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. [ss.abbasi.ir2014@gmail.com](mailto:ss.abbasi.ir2014@gmail.com)

<sup>۲</sup> گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران، دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول) [e.sharifpour@uk.ac.ir](mailto:e.sharifpour@uk.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران [M.jafari7800@yahoo.com](mailto:M.jafari7800@yahoo.com)

حقوق بشر یک مسئله همگانی است و هر انسانی حق دارد که به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی از آن برخوردار باشد. «حقوق بشر، آن حقوقی است که هر کس از آن حیث که انسان است از آنها برخوردار است. همه انسان‌ها در آن سهیم‌اند، صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو سازمان یا انجمن خصوصی و عمومی داشته یا نداشته باشد» (حقوق بشر، شریفی طرازکوهی: ص ۵۰).

موضوع حقوق بشر «انسان» است و در جهان‌بینی اسلامی نیز انسان خلیفه خداست که در سایه عقل و اراده و مسئولیت بر سایر مخلوقات برتری دارد. از آنجایی که همه انسانها، اعضای جامعه بین‌المللی هستند و در انسان بودن مشترک‌اند، حقوقشان باید در همه جا یکسان رعایت شود و در بین افراد، در برخورداری از آن تفاوتی نباشد.

رعایت حقوق انسان یکی از محورهای اصلی و بحثی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. اگرچه این موضوع چند دهه‌ای است به صورت علنی و جهانی مطرح شده است؛ اما قدمتی به اندازه تاریخ بشری دارد. محمد بسته نگار در این مورد می‌گوید: «حقوق بشر گرچه محصول تمدن جدید و مدرنیته است ولی اینکه بخواهیم آن را در قالب یک تمدن خاص محدود نماییم، صحیح نمیباشد؛ زیرا حقوق بشر همزاد با پیدایش انسان بوده و با او به وجود آمده است. با سیر در ادبیات، عرفان، عقاید و مذاهب مختلف میبینیم که دعوت به برابری و برادری و نوع دوستی یکی از اصول اولیه آنها میباشد. زیرا مفهوم حقوق بشر کهنسالتر از آن است که بتوان آن را به تمدن خاص یا دوره خاصی منتسب کرد» (حقوق بشر از منظر اندیشمندان، بسته‌نگار: ص ۱۱). یکی از مهم‌ترین ابزارهای که نقش کلیدی در گسترش فرهنگ حقوق انسانی ایفا نموده است، ادبیات میباشد. در واقع ادبیات، ظرفیت گسترده‌ای برای آموزش و ترویج حقوق انسانها، فرهنگ سازی و ایجاد بسترهای مناسب برای رشد آنها را دارد و همواره لبریز از آموزه‌های دینی و فطری است که انسان را به رعایت حقوق و احترام به دیگران تشویق و تحریض میکند. «بعد از توحید و معاد، عمل صالح عمده‌ترین موضوعی است که در آثار ادب پارسی انعکاس دارد و در قالب مسایل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، عرفانی و تذکر به رعایت عدل و دوری جستن از ظلم و ستم، توجه به حقوق انسان و ... بیان شده است» (حافظ‌پژوهشی، سازکارنژاد: ص ۱۴۷). شاعران و نویسندگان زیادی در همه جای جهان، مفاهیم حقوق انسانی را در آثار خود منعکس نموده‌اند؛ به ویژه در ایران که همواره جایگاه ادیبان بزرگی بوده که شهرت جهانی داشته‌اند و آموزه‌های دینی و اخلاقی در آثار آنان نهفته بوده است. که از بین آنها میتوان از ملا حسین کاشفی سبزواری نام برد که یکی از نویسندگان پر کار و واعظ تأثیرگذار در عصر تیموریان بوده و یکی از مشهورترین کتابهای اخلاق اسلامی را تحت عنوان اخلاق محسنی تألیف کرده است. «چون مؤلف در لباس اهل علم، سالیان دراز در دیار خراسان به بحث و وعظ میپرداخت و با همه طبقات مردم سروکار داشت به دردها و درمانهای اخلاقی و اجتماعی آشنا گشته، با گفتار و نوشته‌های خویش آرامش خاطر دلها و اندیشه‌ها را فراهم میساخت و در راه خدمت به خلق این کتاب اخلاق را نوشت» (اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص چهار). در مورد ضرورت و سابقه انجام این تحقیق باید توجه داشت که اگر چه کتاب اخلاق محسنی برای زمامداران و فرمانروایان نوشته شده؛

اما همچنان برای عامهٔ مردمان نیز دارای فواید و حکایات اخلاقی و مضامین حقوقی فراوان است که تاکنون کسی از منظر حقوقی به این اثر برجسته ننگریسته و تحقیقی که موضوع حقوق انسان را در کتاب اخلاق محسنی شامل شود، تاکنون صورت پذیرفته است.

در این جستار هدف ما علاوه بر ارائهٔ یک الگوی اخلاقی، پاسخ دادن به این سوالات است که:

- کاشفی سبزواری در این اثر تعلیمی خود، در خصوص رعایت حقوق بشر چه دیدگاههایی دارد؟

- از میان گزاره‌های حقوق بشر، کدام یک بیشترین بسامد کاربرد را در کتاب اخلاق محسنی دارد؟

وی در این اثر گرانمای خود به گزاره‌های حقوق بشر در قالب حکایات، حکمتها و مطایبات شیرین با ظرافت و استادی خاص اشاره کرده و همواره مخاطبین خود را به رعایت این حقوق فرا خوانده است. در این جستار با روش تحلیلی-توصیفی، مصادیق و مفاهیم حقوقی انسانها در کتاب اخلاق محسنی، استخراج و طبقه‌بندی و بررسی شده است.

## ۲- بحث و بررسی (حقوق انسان در کتاب اخلاق محسنی)

حقوق به طور کلی شامل انواعی است که یکی از این حقوق، تکلیف انسان در مقابل سایر انسانهاست که در واقع موضوع اصلی این پژوهش است. در این بخش پس از اشاره به حقوق انسانها در مقابل یکدیگر، برای تفهیم بهتر موضوع، ابتدا به تشریح هر کدام از این حقوق با توجه به اسناد موجود خواهیم پرداخت و سپس دیدگاه ملا حسین سبزواری را در مورد آنها، در کتاب اخلاق محسنی بیان خواهیم کرد.

### ۲-۱- حقوق دینی

#### ۲-۱-۱- حق خداوند بر بنده

خداوندی که تمام هستی ما از او ست، بزرگ‌ترین حق را بر گردن ما دارد. چرا که او خالق و مالک و مبداء و معید و رب و از مادر مهربانتر و از پدر دلسوزتر است. به تعداد نعمتهای مادی و معنوی که به ما عنایت کرده است، حقی به گردن ما دارد. و این همه حق خلاصه میشود در اطاعت و بندگی و این که تنها عبد او باشیم و چیزی را شریک او نسازیم. امام سجاد (ع) در رسالهٔ حقوق میفرماید:

«فَأَمَّا حَقَّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا؛ اما بزرگ‌ترین حق خدا این است که او را بپرستی و چیزی را با او شریک ندانی؛ پس چون با اخلاص چنین کردی، خدا بر عهده گرفته است که کار دنیا و آخرت را خود کفایت کند و آنچه از آن بخواهی برایت تأمین کند» (رساله حقوق، امام سجاد: ص ۳۰). طبق این فرمایش، انسان مکلف است تا غیر خدا را نپرستد و جز او به کسی تکیه نکند. در این صورت است که خداوند نیز امور بنده را به غیر، محول نخواهد کرد. کاشفی سبزواری معتقد است که انسان با قرار گرفتن در مسیر اطاعت و بندگی خداوند و انجام اوامر الهی و

ترک نواهی می‌تواند حقّ خداوند را ادا کند و این باعث سعادت و رستگاری انسان در دو جهان میشود. «و آن پرستش حق سبحانه و تعالی باشد به ادای فرائض و واجبات و ترک قبایح و محرّمات و انقیاد اوامر و نواهی و اتباع سنن حضرت رسالت پناهی و مقرر است که عبادت حق سبحانه و تعالی در دنیا واسطه سلامت است و در عقبی رابطه نجات و کرامت. بیت:

سرمایه سعادت دنیا عبادت است      پی-رای-ه-ک-رام-ت-ع-قبی عبادت  
است»      (اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری:  
ص ۷)

بر انسان واجب است که به پاس حقّ منعم شکرگزار او باشد و این شکرگزاری به سه قسم عملی، زبانی و قلبی تقسیم میشود. کاشفی سبزواری این سه نوع شکر و عبادت را چنین تفسیر میکند. «شکر هم به دل باشد و هم به زبان و هم به اعضاء و جوارح. اما شکر به دل آن است که منعم حقیقی را بشناسد و داند که هر نعمتی که بدو رسیده از فیض بی‌غایت و لطف بی‌نهایت اوست. اما شکر به زبان آنست که پیوسته حق را یاد کند و کلمه الحمدالله بسیار گوید. اما شکر به جوارح آن است که قوت آن نعمت را در طاعت منعم صرف کند و هر عضوی را از اعضاء به طاعتی که بدان عضو مخصوص است مشغول گرداند» (همان: ص ۱۱). این سخنان کاشفی سبزواری حاوی سه آموزه مهم توحیدی است:

- ۱- توحید ذاتی: اینکه او را یکتا و بی‌همتا بدانی و چیزی را با او شریک نگردانی.
- ۲- توحید عبادی: این است که فقط او را پرستی.
- ۳- توحید افعالی: اینکه ایمان داشته باشی که اگر توحید خود را خالص کنی، خداوند برای دنیا و آخرت تو کفایت می‌کند.

## ۲-۲- حقوق سیاسی

### ۲-۲-۱- حق مردم بر حاکم

رابطه بین مردم و حاکم و حقوق و تکالیف متقابل آنها یک رابطه دو سویه است که در جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه آن را از سایر حقوق در چنین جامعه‌ای متمایز میکند. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در این باره میفرماید: «در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است؛ حقّ واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند و ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمیشود جز آن که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمیشوند جز با درستکاری رعیت» (نهج‌البلاغه، سید رضی: ص ۲۱۶). رعایت حقوق مردم از سوی حاکمان عصر، موجب اطاعت

و پیروی و رضایت مردم از حاکمان میشود و این امر تضمین‌کننده رشد و پیشرفت ملت و جامعه خواهد بود؛ زیرا مهمترین پشتوانه حکومتها، مردم هستند که در هر شرایطی حامی و یاور حکومت خواهند بود.

«پس پادشاه باید که صفحه احوال خود را به رقم عبادت بیاراید تا خداوند تعالی بدهد او را آنچه در دنیا و آخرت شاید و بکار آید و فرمانبرداری خدای بر حسب فرماندهی خود لازم باید شناخت و روزها به کار مردم و شبها به کار خود باید پرداخت» (اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص ۷).

یکی از برنامه‌های اصلاحی امام علی (ع) در دوره زمامداری، ارائه یک الگوی جامع مدیریتی در اداره حکومت اسلامی میباشد؛ بنابراین رسیدگی به امور مردم و آسایش و امنیت آنان از دغدغه‌های حکومتی حضرت علی (ع) بود و این نشان‌دهنده اهتمام ایشان به حقوق مردم به عنوان حاکم مسلمانان میباشد. «حضرت مرتضی علی رضی الله عنه در زمان خلافت روزها به ساختن مهمات خلائق مشغول بودی و شبها به عبادت و طاعت خالق اشتغال نمودی. گفتند: یا امیر چرا این همه رنج و محنت بر خود روا میداری نه به روز آسایشی و نه به شب آرامشی. فرمود: که اگر در روز بیاسایم رعیت ضایع ماند و اگر در شب بیارامم فردای قیامت من ضایع مانم، پس روز، مهم مردم میسازم و شب به کار حق میپردازم» (همان: ص ۸). این حق مردم است که تحت لوای حکومتی عادل و دادگر زندگی کنند و حکومتها در قبال آنان مسئول هستند تا شرایط زندگی مسالمت‌آمیز و عادلانه را برایشان فراهم کنند. همچنین تا وقتی که مردم جامعه مطیع و فرمانبردار حاکم هستند، حاکم هم باید متقابلاً مطیع دستورات و فرامین خداوند متعال باشد.

«چون بندگان حق همه فرمان بر تواند  
تو نیز ببنده‌گی کن و فرمان حق  
ببر  
هر پادشه که خدمت حق را کمر ببست  
بنده‌ند خدای حق هم زپی خدماستش  
کمر»

(همان)

او معتقد است که برای حاکم هیچ فریضه و طاعتی واجبتر از اشتغال به مصالح بندگان خدا نیست و به صفت نصفت زیستن و به چشم عدالت و حمایت در رعایا نگرستن از همه طاعات، افضل و اکمل است.

«عدل نورست کزو ملک منور گردد  
وز نسیمش همه آفاق معطر گردد  
عدل پیش آر و مراد دل درویش برآر  
تسا ترا هر چه مراد است میسر  
گردد»

(همان):

از سوی دیگر حاکمان و کارگزاران نظام، باید خلوص نیت در اجرای امور مردم را در سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار دهند. این امر علاوه بر اینکه باعث خیر و برکت در حکومت شده، سبب جلب اعتماد مردم نسبت به حاکمان نیز میشود.

«رکن دیگر، خلوص نیت است در باب رعیت و به نیک‌خواهی ایشان مایل بودن. چه نیت پادشاه را در این باب اثری تمامست. اگر نیت عدل کند برکت و جمعیت نتیجه دهد و اگر نعوذبالله به خلاف این باشد برکت از محصول برود و عقد جمعیت رعیت گسیخته گردد. شیخ مصلح‌الدین سعدی این معنی را در سلک نظم کشیده.

در آن کوش تا هر چه نیت کنی      نظر در صلاح رعیت کنی  
 که سلطان اگر نیت بد کند      مهم جهانی به هم برزند»  
 (همان: ص

(۴)

عدالت و ظلم دو مقوله اجتماعی است. اگر عدالت در افراد، بویژه در حاکمان جامعه به صورت ملکه درآید، جامعه به سمت سعادت پیش میرود و اگر ظلم و خیانت در نهاد حکمرانان خانه کند، اجتماع رو به انحطاط و نابودی سوق پیدا میکند. کاشفی سبزواری نیز معتقد است همانگونه که اقامه قسط و عدل حاکم در جامعه موجب برکت است، ظلم و فساد هم موجب تباهی مواهب الهی و از بین رفتن ملت‌ها میشود. حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند پایه حاکمیتشان بسیار سست و ضعیف است و اقتدارشان موقت خواهد بود؛ زیرا با ستمگری و بی‌عدالتی، نابودی خود را امضاء کرده‌اند.

«و از سوء خاتمت و وخامت ظلم و ستم اندیشه کن که جور سبب تغییر دولت و تبدیل نعمت است و در طلب مال که پایمال هر کس و دست فرسود هر خس است با رعیت مناقشه نمای که بی‌شائبه شک و غائله شبهت.

از رعیت شهی که مایه ربود      بن دیوار کنند و بام اندود»  
 (همان: ص ۴۴)

## ۲-۲-۲- حق حاکم بر مردم

یکی از موضوعات بنیادین و با اهمیت در اندیشه‌های سیاسی گذشته و جهان معاصر، مسأله حقوق و تکالیف متقابل مردم و حکومت است که یک رابطه دو طرفه بوده و مستلزم ادای تکلیف هر یک در مقابل حق دیگری است. از آنجایی که کتاب اخلاق محسنی بیشتر برای زمامداران و فرمانروایان نوشته شده و حاوی دستوراتی برای اهل دولت و حکومت می‌باشد، در بردارنده مطالب زیادی در مورد حق حاکم بر مردم است و کاشفی سبزواری در جایی ۲۵ حق را برای یک حاکم در نظر گرفته و مردم را به رعایت این حقوق ملزم کرده است. چون حاکمان، مظهر سلطنت الهی و ملقب به ظل... هستند خود را شایسته این میدانند که همه مردم جامعه نسبت به آنان اظهار

عجز و خدمتکاری نمایند و در مسیر تعبّد و بندگی نمودن صبور و بردبار بوده و در تصمیماتی که میگیرند و کارهایی که انجام میدهند پیوسته مصلحت پادشاه را در نظر بگیرند و همواره پادشاه را به رعایت عدل و داد و دوری از ظلم و ستم در حقّ عموم مردم تشویق و ترغیب نمایند. همچنین از کسی که فاقد شایستگی‌های لازم است در نزد حاکم تعریف و تمجید نکنند. زمانی که پادشاه با آنان سخن میگوید با تمام وجود شنونده سخن او باشند و در حضور پادشاه با کسی به صورت سرّ و پوشیده سخن نگویند و تا زمانی که پادشاه چیزی از آنان نپرسیده، آغاز به سخن گفتن نکنند و تنها پاسخگوی سوالات مربوط به خودشان باشند. اگر پادشاه بنا به دلایلی صلاح نداند که مردم نسبت به بعضی از امور مطلع شوند آنها هم نباید در آن امور تفحص نمایند و هر هدیه‌ای، چه اندک و چه بسیار که از جانب پادشاه باشد باید با کمال میل آن را پذیرفته و قانع و راضی باشند. نسبت به امانتهایی که از جانب حاکم در نزد آنهاست، وفادار باشند و نسبت به کارهایی که به آنها محوّل میشود وجدان کاری داشته باشند. اگر مورد خشم و غضب پادشاه واقع شدند، آزرده‌خاطر نشده و در مورد آن با کسی سخن نگویند و در نهایت از همه مهمتر اینکه باید رازدار پادشاه باشند که رعایت این ادب از هر چیزی برتر و بالاتر است. (ر. ک. اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: صص ۲۰۹-۲۰۱) در واقع رعایت کردن این حقوق از جانب افراد جامعه سبب نیکو اجرا شدن امور و اصلاح زندگی و بقا و دوام دولت و ناامید شدن دشمنان میشود.

### ۲-۲-۳- حقوق سپاهیان و لشکریان

سپاهیان و لشکریان یکی از مهمترین ارگانهای جامعه هستند. پس رسیدگی به امور زندگی و تأمین مایحتاج آنها، از وظایف دولتهاست. کاشفی سبزواری نیز ضمن بیان حقوق متقابل سلاطین و لشکریان، معتقد است که تأمین رفاه لشکریان از مهمترین و ضروری‌ترین اموری است که سلاطین باید انجام دهند تا آنان هم در آرامش و آسایش و بدون دغدغه خاطر به وظیفه خود عمل کنند. از نظر ایشان رسیدگی به امور سپاهیان دارای چهار فایده است: «اما تربیت و حقوق لشکریان از جمله ضروریات است و فایده ایشان چهار چیز است، اوّل: قوّت و هیبت پادشاه، دوّم: دفع دشمنان، سوّم: ایمنی رعایا، چهارم: دفع دزدان و ایمنی راه‌ها» (همان: ص ۱۹۵). در ضمن سفارش به رعایت حقوق سپاهیان، به جای آوردن چهار شرط را نیز از جانب لشکریان واجب و ضروری میدانند: «اوّل: آنکه از فرمان سلطان بیرون نروند و جز به حکم او کار نکنند، دوّم: آنکه با پادشاه یکدل و یکزبان باشند، سوّم: آنکه با یکدیگر نیز متفق باشند، چهارم: آنکه در کارزار مردانگی و فرزاندگی رعایت نمایند» (همان: همان). در ادامه هم متذکر میشود همانطور که لشکریان، وظایف خود را انجام میدهند در مقابل، سلاطین هم باید چهار وظیفه را نسبت به سپاهیان ادا نمایند. «و سلطان را هم با ایشان چهار کار باید کرد، اوّل: آنکه سلاح و مرکب ایشان مهیا سازد، دوّم: مرتبه هر یک نگاه دارد، سوّم: مردان کاری را نیکو تربیت کند و در میان لشکر سرافراز نماید، چهارم: از لشکر دشمن غنیمت که به دست آید ایشان را بهره‌مند گرداند» (همان: همان).

### ۲-۳-۳- حقوق اجتماعی

### ۲-۳-۱- برخورداری از عدالت



یکی دیگر از حقوق بسیار مهم انسانها، حق برابری و عدالت است. برابری از مهمترین ابعاد، بلکه از اصلی ترین معنای عدالت است. معنای برابری این است که همه افراد صرف نظر از ملیت، جنس، نژاد و مذهب در ازای کار انجام شده از حق برابر، به منظور استفاده از نعمتهای مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار باشند. این حق در اکثر ادیان و فرهنگها و مواد ۱ و ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه کاشفی سبزواری، عدالت به این معنا است که در شرایط برابر با افراد برابر به صورت یکسان برخورد شود و این امر سبب بهبود وضع جامعه میشود و رضایتمندی و همراهی و پشتیبانی مردم از حکومتها را در بر دارد و باعث آبادانی مملکت و پایداری آن میشود. «عدل شحنه‌ای است ملک‌آرای و لمعه‌ای است نورافزای و ظلمت‌زدای. عدل آن است که داد مظلومان دهند و احسان، آنکه مرهم راحتی بر جراحت مجروحان نهند. حکما گفته‌اند: عدل، سویت نگاهداشتن است میان خلق، یعنی گروهی را بر گروهی مسلط نسازد» (همان: صص ۳۵-۳۲).

### ۲-۳-۲- حق مظلومان

در آموزه‌های دینی، دفاع از ستم‌دیدگان و مظلومان و یاری رساندن به آنان، به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد شده است. همانگونه که انسانهای ستم‌دیده و مظلوم، وظیفه دارند در برابر ستمگران ایستادگی و مقاومت کنند و در صورت ضعف و ناتوانی، فریاد و استغاثه سرداده و از دیگران کمک طلبند، بقیه مسلمانان نیز مکلف هستند به فریاد و استغاثه ستم‌دیدگان جواب مثبت داده و در حد توان، در جهت کاهش رنج و آلام و نجات و رهایی آنان از زیر شلاق و تازیانه ظالمان و ستمگران، تلاش نمایند تا در پیشگاه خدا، مورد توبیخ، سرزنش و مؤاخذه قرار نگیرند. کاشفی سبزواری مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب فارسی به این مسئله، توجه خاصی داشته است و در لابلاهی نصایح خود حکایاتی را بیان میکند که نشان‌دهنده اهمیت و توجه بسیاری از افراد جامعه نسبت به حق مظلومان است. حکایت کرده‌اند که در سرزمین چین پادشاهی بود که به زیور عدل آراسته و نهال حالش به صفت نصفت آراسته بود و آنچنان به داد انسانهای مظلوم میرسید که در زمان پادشاهی او ظلم و ستم از بین رفته بود و این شیوه حکومت‌داری او باعث رضایت و خشنودی خداوند و مردم از او شده بود. ناگاه آفتی به حس سامعه او راه یافت و گرانی در گوش او پدید آمد. ارکان دولت را جمع کرد و چنان زار بگریست که جمله حاضران بر حال وی به گریه آمدند. ملک فرمود که: شما گمان میبرید که من به خاطر از بین رفتن حس شنوایی خود گریه میکنم در صورتی که این چنین نیست، چون بر این امر واقفم که با بالا رفتن سن و رسیدن ایام پیری این چنین مسائل طبیعی است. گریه من برای آنست که ناگاه مظلومی دادخواه بر در بارگاه فریاد کند و صدای استغاثه او به گوش من نرسد و او محروم بازگردد و من در نزد خداوند مؤاخذه شوم. به این خاطر تدبیری اندیشیده‌ام که دستور دهید که در این سرزمین ندا کنند که کسی غیر دادخواه، جامه سرخ نپوشد تا بدان علامت بر حال مظلومان اطلاع یابم و به داد ایشان برسم. (ر.ک: همان: ص ۳۹)

حقوق والدین، حقوقی است که پدر و مادر بر عهده فرزندان خویش دارند. رعایت حق والدین، از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام است و در قرآن و احادیث بر آن تاکید شده است. در قرآن نیکوکاری نسبت به والدین، پس از عبادت خدا و نهی از شرک ورزیدن به او آمده و سپا سگزاری از پدر و مادر با شکرگزاری از خدا مقارن شده است؛ البته اطاعت از والدین نباید به مخالفت الهی بیانجامد. کاشفی سبزواری نیز معتقد است اگر انسان بخواهد در دنیا و آخرت به سعادت برسد، باید حقوق پدر و مادر خود را ادا کند و با ایشان به نیکی برخورد کند. «بعد از ادای حق نعمت الهی، ادای حقوق و شفقت والدین باید نمود که حق سبحانه تعالی رضای خود را به رضای ایشان باز بسته است. چنانچه در حدیث قدسی آمده؛ هر که پدر و مادر از او خشنود باشد من از او خشنود باشم و مقرر است که خشنودی پدر و مادر هم در دنیا موجب دولت است و هم در آخرت سبب نجات و سعادت» (همان: صص ۱۵۱-۱۴۹).

#### ۲-۳-۴- حق همسایه و خویشاوند

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، لاجرم امر همسایه و همسایگی نیز جزئی لاینفک از زندگی او به شمار می‌آید. در آیات قرآن و روایات اسلامی، همسایه دارای حقوقی است که حتماً باید مراعات شود. ماده هفتم اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز به رعایت حق همسایه و خویشاوندان اختصاص دارد. کاشفی سبزواری نیز از بیان حقوق همسایه غافل نشده و رعایت آن را بر خود و دیگران فرض دانسته و معتقد است همگان، از افراد عادی تا بزرگان جامعه باید همسایگان را مورد لطف و اکرام قرار دهند و مانع ضرر رساندن خود و دیگران نسبت به همسایگان شوند. «حقوق ذی‌القربی رعایت باید کرد و صلۀ رحم به جای باید آورد و آن از جمله واجبات اسلام است. دیگر حق آنها که قرب جوار ثابت دارند و در حدیث آمده که هر که به خدای و روز قیامت ایمان دارد گو همسایه خود را گرامی دارد، گرامی داشتن آنست که بدان مقدار که مقدور باشد نفع بدو رساند و ضرر خود و ضرر دیگران از او باز دارد» (همان: صص ۱۵۲-۱۵۱). بنابراین رعایت حقوق همسایه از وظایف مهم و اساسی هر مسلمان به شمار می‌رود و بی‌توجهی نسبت به امور همسایه به دور از عدالت و رفتار اجتماعی است.

#### ۲-۳-۵- حق معلم و استاد

در دین مبین اسلام، علم و معلم جایگاه بسیار بالایی داشته و ارزشمند به شمار آمده است. در روایات نقل شده از معصومان، جایگاه استاد، تراز مقام انبیا دانسته شده است و به انسان سفارش شده که استاد خویش را محترم دانسته و شاکر الطاف او باشد. کاشفی سبزواری نیز مانند دیگر ادیبان فارسی به این حق اشاره کرده و معتقد است از آنجایی که بنیاد علم و دانش به همت و کوشش معلم پایه‌گذاری شده، احترام گذاشتن به معلم و استاد علاوه بر اینکه موجب تداوم داشتن علم و حکمت شده، همچنین سبب سعادت دنیا و آخرت میشود. «و دیگر حق معلم و استاد است. هر که حق استاد و معلم بداند و حرمت ایشان به جای آرد در دنیا و عقبی برخوردار گردد و گفته‌اند حرمت استاد سیرت اوتاد است.

فرامش مکن حق استاد علم که بر همت اوست بنیاد علم

اگر در دلت مهر استاد نیست به دست امید تو جز باد نیست»  
(اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص ۱۵۱)

### ۲-۳-۶- حق مهمان

یکی از رفتارهای اجتماعی، دید و بازدید از خویشاوندان، همسایگان و به طور کلی افراد دیگر جامعه است که سبب انس و الفت میان امت اسلامی شده، اتحاد و برابری را ایجاد میکند. امام صادق (ع) پاداش اطعام مؤمن را برای انسان‌ها بی‌شمار بیان کرده‌اند: «هرکس مؤمنی را طعام دهد تا سیر شود، هیچکس از مخلوقات خداوند نمیداند چه مقدار پاداش در آخرت دارد، نه ملک مقرب و نه نبی مرسل، به جز خداوند، پروردگار عالمین» (اصول الکافی، کلینی: ص ۲۰۱). واعظ تأثیرگذار قرن نهم، ضمن اینکه مهمان را هدیه‌ای از جانب خداوند دانسته، همواره مخاطبان خود را به گرامی‌داشتن مهمان و رعایت حقوق آن سفارش کرده و بر انسان واجب دانسته که با مهمان به نیکی برخورد کند و از هرگونه لطف و محبت در حق وی کوتاهی نکند، زیرا بی‌توجهی به حقوق مهمان به دور از شأن و کرامت کریمان است. «دیگر رعایت حقوق مهمانان لازم است. چه مهمان هدیه با شد از نزدیک خدای و در حدیث آمده که هر که به خدای ایمان دارد و روز قیامت نیز گو: مهمان را گرامی دارد و اکرام مهمان آنست که او را عزیز دارند و با او نوعی سلوک نمایند که سبب آبروی وی شود و هر چه توانند از تکلفات نسبت به وی به جای آورند» (اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص ۱۵۵). مهمان‌نوازی و پذیرایی خوب و شایسته از مهمانان یکی از خصایل نیکو و ارزشمند محسوب میشود و نخستین وظیفه میزبان در قبال مهمان، تکریم اوست.

«چون مشرف شوی به مهمانی هر چه داری فدای مهمان کن

وز ره مردمی و دل‌داری هر چه دلخواه او بود آن کن»  
(همان: همان)

### ۲-۴- حقوق اخلاقی

#### ۲-۴-۱- امانت‌داری

یکی از خصایل اخلاقی انسان که دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای است، امانت و امانت‌داری است. هر یک از افراد جامعه، در هر جایگاه و مقامی که باشند، باید در انواع روابط اعم از دوستی، خانوادگی، همکاری و ... جوانب امانت را نسبت به یکدیگر رعایت کنند و در واقع رازدار و سرپوش یکدیگر باشند. علمای دین و عرفای صاحب یقین نیز چنین گفته‌اند که: «امانت، رکنی اعظم است از خصال حمیده و دیانت، اصلی محکم از اخلاق پسندیده. بنیاد ایمان به امانت تمام گردد. هر کرداری و گفتاری که در آن نگری و در هر دیدنی و شنیدنی که اطراف آن تأمل کنی حدی به امانت دارد و حدی به خیانت. چون کسی که حد امانت نگاه ندارد خیانت کرده باشد» (همان: ص ۸۱)

اعضای بدن ما امانتهایی از جانب خداوند متعال هستند که ما باید از آنها با کمال دقت مراقبت کنیم. در واقع مرتکب شدن هر گناه توسط اعضای بدن به منزله خیانت در امانتی است که خدا در اختیار ما بندگان گذاشته است. کاشفی سبزواری نیز عدم خیانت به اعضای بدن را همواره به مخاطبین خود متذکر شده است. «هر چه خدای به بنده داده، امانت است که در آن خیانت روا نیست. مثلاً دیده، امانتی است که بدان در آثار قدرت نگرند و گوش، امانتی که بدان سخن حق استماع کنند و زبان، امانتی که بدان ذکر خدا گویند و دست امانتی که بدان نفع به خلق خدا رسانند و علی هذا. چون کسی دیده به نظر حرام گشاید و گوش بر استماع اقوال ناشایست نهد و به زبان، بهتان و دروغ گوید و دست به آزار مسلمانان بگشاید، هر آینه در امانت الهی خیانت کرده باشد» (همان: ص ۸۱).

#### ۲-۴-۲- پایبندی به عهد و پیمان

وفای به عهد و پیمان از اصول و پایه‌های بااهمیت اخلاقی و یکی از امور فطری می‌باشد که برای هر انسانی قابل فهم است که هم در قرآن و هم در روایات و سخنان پیشوایان دین، بر آن تأکید شده و رعایت این امر موجب ایجاد دوام روابط انسانی می‌شود. در حقیقت، هیچ جامعه‌ای راه زندگی اجتماعی و پیشرفت به سوی مقاصد را، جز به وسیله پایبندی به معاهدات هموار نمی‌بیند. «وفا، کار مردان صاحب جمال است و حسن عهد، از خصال بزرگان ستوده حال، رخساره هر عهدی که آرایش از خال وفا یابد مرغ دل هیچ کس گردن از رشته دام محبت او برنتابد.

نیست بر مردم صاحب نظر خدمتی از عهد پسندیده‌تر»

(همان: ص ۸۶)

حضرت اسماعیل (ع) که به صادق‌الوعد معروف و یکی از پیامبران الهی بود که در راهی با دوستی حرکت میکرد. آن دوست به در خانه خود رسید و گفت: ای پیامبر خدا! همین جا بمان تا من به درون خانه رفته و کار مهمی را انجام داده و زود می‌آیم. حضرت اسماعیل (ع) دو روز در آنجا ماند. وقتی آن مرد آمد با دیدن پیامبر خدا در آن موضع تعجب کرده و گفت: ای میوه درخت نبوت، اجرا اینجا نشسته‌ای؟ اسماعیل (ع) فرمود: من به تو وعده داده بودم تا بیایی و با هم برویم، چگونه پیمان‌شکنی را بر خود روا دارم؟ (ر.ک: همان) این حکایات نشان‌دهنده پایبندی بزرگان دینی نسبت به عهد و پیمان بوده و آنان همواره وفای به عهد را بر خود و شاگردان، واجب و لازم میدانسته‌اند.

#### ۲-۴-۳- امر به معروف و نهی از منکر (غیرت)

نهاد امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و مطمئن‌ترین ساز و کار و ضمانت اجرای مردمی دستیابی به حقوق بشری و شهروندی است. هر چند در متن اعلامیه حقوق بشر، به راه کار یاد شده، به صراحت اشاره نشده ولی به نظر میرسد برخی مواد آن با اندکی صراحت و برخی دیگر به طور ضمنی، ساز و کار نظارت همگانی را مورد اشاره قرار داده است. حضرت علی (علیه‌السلام) در نامه ۴۷ نهج‌البلاغه، ضمن وصیت به امام حسن و امام حسین (ع) در وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«لَا تَتْرُكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ شَرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابَ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط میگردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد» (نهج البلاغه، سید رضی: نامه ۴۷). شاعران و نویسندگان فارسی خود را در برابر جامعه مسئول دانسته و در دوره های مختلف تا به امروز، نسبت به امر به معروف و سپس نهی از زشتی و تباهی توجه شایانی داشته اند و با شواهد بسیار و دلایل محکم سعی در هدایت جامعه داشته اند.

«غیرت، نگاهداشت چیز است که انسان را صیانت آن واجب باشد و در تدبیر مهمات و تأکید سیاسات، سلاطین را از این صفت چاره نیست هم در امور ملت و هم در مهم مملکت» (اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص ۱۱۵). کاشفی سبزواری رعایت دو نوع غیرت، یکی در امور دین و دیگری در امور دنیا را به مخاطبین خود متذکر شده و غیرت در دین را همان، امر به معروف و نهی از منکر در زمینه محسنات و معاصی دانسته و غیرت در امور دنیا را همان داشتن غیرت نسبت به افراد جامعه بیان کرده است که شامل نزدیکان و خاصان و عموم مردم میباشد و رعایت این دو نوع غیرت در نهایت، باعث ادا کردن حقوق خداوند و بندگان خداوند میشود. «زیرا که غیرت دو نوع است: غیرت دین و غیرت دنیا و رعایت هر دو ضروریست. اما غیرت دین آنست که در تمشیت امر به معروف و نهی از منکر سعی نماید و ملازمان حضرت و رعایای مملکت خود را به طاعت فرماید و از معاصی و مناهی منع کند. اما غیرت دنیا سه نوع است: اول؛ نسبت با اشراف و اقران. دوم؛ با خاصه خود. سوم؛ نسبت با عموم خلق» (همان: صص ۱۱۸-۱۱۵). امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که دقیقاً باید رعایت شود؛ به نحوی که اگر با رعایت یک مرتبه از آن، به وظیفه شرعی عمل شد، نوبت به مرتبه دیگر نمیرسد. کاشفی سبزواری نیز در ادامه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر (مرحله قلبی یا رفتاری، مرحله زبانی و مرحله عملی) اشاره کرده و میگوید:

«نهی منکر به دست باید کرد  
 در دل خویش میکنش انکار»  
 (همان: ص ۱۱۵)

## ۲-۴-۴-۲- صدق و راستی

صداقت و راستگویی از بزرگترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است. قرآن کریم در این باره میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید» (توبه/۱۱۹). یکی دیگر از نکات اخلاقی و حقوقی که کاشفی سبزواری بدان اشاره کرده، صداقت و راست‌گویی افراد نسبت به یکدیگر است. او همواره مخاطبان خود را به صدق فرا میخواند و نتایج رعایت و عدم رعایت آن را گوشزد میکند. شاید به ظاهر و در نگاه اول، صدق و راستی در اسناد حقوقی به صورت یک حق مجزا دیده نمیشود اما عدم رعایت این خصلت، سبب نقض بعضی از حقوق اساسی افراد خواهد شد.

«راستان رسته‌اند روز  
شمار

اندربین رسته راست‌کاری کن  
تا در آن رسته رستگار شوی»  
(اخلاق محسنی، کاشفی سبزواری: ص ۹۰)

اگر انسان تمام حرکات و سکنات و همه احوال او از روی صدق و راستی صورت گیرد، البته سرمایه خوشبختی و زمینه سعادت و مسیر کمال را به دست آورده است.

«زبان پاک را حیفت بسیار  
اگر پا بر ندادی از ره صدق  
که از لوث دروغ آلوده ستازی  
سر از گردون گردان بر افزای»  
(همان)

(همان)

علاوه بر اینکه راستگویی و صداقت در تمام جنبه‌های زندگی افراد مانند: شغل، تحصیل، روابط عاطفی، زندگی مشترک و ... تأثیر میگذارد و نبود آن میتواند معضلات بسیاری را سبب شود؛ رعایت آن در زندگی، انسان را به سعادت و رستگاری میرساند.

«راستی آنجا که علم برزند  
راستی خویش نهان کس نکرد  
راستی آور که شوی رستگار  
چون به سخن راستی آری به جای  
یاری حـق دست به هم بر  
زند  
بر سخن راستت زیان کس نکرد  
راستی از تو ظفر از کردگار  
ناصر گـفـتـار تـو بـاشـد  
خدای»

(همان: ص ۹۲)

بنابراین صداقت و راستگویی باعث میشود که خداوند متعال در تمام زمینه‌های زندگی ناصر و یاری رسان انسان باشد که این خود در جامعه انسانی برای هر فردی کفایت میکند.

کاشفی سبزواری در قرن نهم، حدود چهار قرن پیش از تشکیل مجمع بین‌المللی حقوق بشر و انتشار اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، در لابه‌لای آثار معروف خود، به‌ویژه در کتاب اخلاق محسنی که نوعی الگوبرداری از اخلاق ناصری و اخلاق جلالی است و به بیان آرا و نظریات سیاسی خویش در قالب موعظه و نصیحت پرداخته و با بهره‌گیری از مکتب و فرهنگ اسلام و فرهنگ غنی ایرانی، مؤلفه‌های حقوقی انسان را بیان کرده و همگان را به رعایت این حقوق فرا میخواند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که هر چند این کتاب برای زمامداران و سلاطین نوشته شده و باید توسط اهل دولت و حکومت مورد مطالعه قرار گیرد ولی برای عموم مردم نیز موعظه و نصیحت و دارای فواید و حکایات اخلاقی است و غالب بندهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشری در آن مشهود است. در این پژوهش به میزان قابل توجهی، به روابط و حقوق انسانها نسبت به یکدیگر توجه شده است. اولین و بیشترین حقی که سبزواری در کتاب اخلاق محسنی به آن اشاره کرده، حق مردم بر حاکم است و به والیان و حاکمان در رعایت حقوق مردم و تأمین نیازهای آنان سفارش اکید کرده و معتقد است که اجرای عدل توسط حاکمان، باعث سعادت جامعه میشود. در ادامه به حق برخورداری از عدالت، حقوق نیازمندان، حق همسایه و خویشاوند، حق مهمان، پایبندی به عهد و پیمان، حق خداوند بر بنده، حقوق والدین، حق حاکم بر مردم، امانت‌داری، امر به معروف و نهی از منکر، صدق و راستی، حقوق سپاهیان و لشکریان و حق معلم و استاد اشاره کرده است. او برای تفهیم بهتر این مطالب، آنها را در قالب حکایات، حکمت‌ها و مطایبات شیرین با ظرافت و استادی خاص بیان مینماید به نحوی که هر خواننده‌ای را تحت تأثیر قرار میدهد.

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشهای، (۱۳۹۰)، قم: انتشارات نگین.
- ۲- نهج البلاغه، سید رضی، ۱۳۹۳، ترجمه محمد دشتی، چاپ چهاردهم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۳- امام سجاد(ع)، ۱۳۸۸، رساله حقوق، ترجمه محمدحسین افشاری، تهران: مشهور.
- ۴- بسته نگار، محمد، ۱۳۸۰، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: انتشار.
- ۵- سازکارنژاد، جلیل، ۱۳۸۱، حافظ پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز حافظ شناسی.
- ۶- شریفی طرازکوهی، حسین، ۱۳۸۰، حقوق بشر، تهران: انتشارات میزان.
- ۷- کاشفی سبزواری، ملاحسین، ۱۳۵۸، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات علمیه حامدی.
- ۸- کلینی، محمدیعقوب، ۱۳۸۸، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.